

خبرنگار رضوی

چهارشنبه

اول شهریور ۱۳۹۶

اول ذی الحجه ۱۴۳۸

۸ صفحه/ شماره ۳۶۴۶

حکمت روز
امام علی (ع)

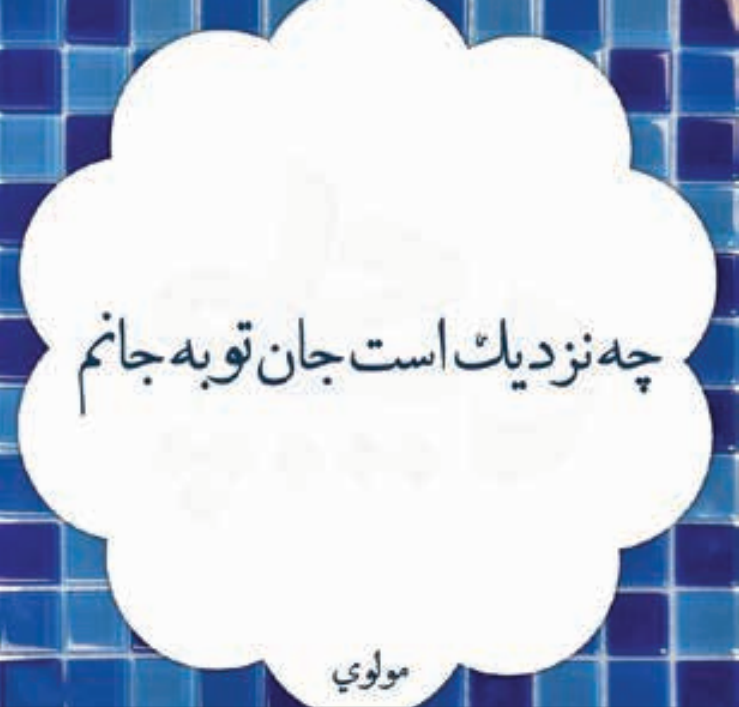
برای جان‌های شما بهایی جز بهشت نیست، پس آن را جز به بهشت مفروضید.

نهج‌البلغه (صبحی صالح) ص ۵۵۶، ح ۴۵۶- بحارالانوار (ط-بیروت) ج ۷، ص ۱۳، ح ۷۱

مناجات
خواجہ عبدا... انصاری

اِلهی!
در جلالِ رحمانی، در کمالِ سبحانی
نه محتاج ز مانی و نه آرزو مند مکانی

شاعران خراسانی
<p>چه نزدیک است جان توبه جانم</p>



خراسان به روایت فرسان
اول شهریور ۱۳۴۴

عروسی که به‌عزا تبدیل شد

۴۲ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

هنگام عروس‌کشان چند نفر به شادی عروس و داماد شروع به شلیک کردند و در نتیجه پچه‌ای در اثر اصابت گلوله به قتل رسید.

چندی پیش هنگامی که مجلس عروسی در قریه‌ای در نزدیکی مشهد برپا شده بود، نزدیکان عروس و داماد قصد داشتند آن‌ها را تا منزلشان همراهی کنند، در این میان چند نفر از شرکت کنندگان در مجلس عروسی به رسم محلی به عنوان خوشامدگویی و شادی عروس و داماد باتفنگ بادی و شکاری که تهیه دیده بودند؛ به هنگام عروس‌کشان شروع به تیراندازی و شلیک هوایی کردند ولی دقایقی بعد هنگامی که صدای دهل و سرنا و هلهله حاضران و شلیک گلوله‌ها فضا را پر کرده بود، ناگهان به علت نقص فنی تفنگ یا سستی و بی‌خبری صاحب آن، یکی از گلوله‌ها به پسرینجه ۹ ساله‌ای به نام احمد اصابت کرد و او را ناحیه سینه مجروح ساخت و در ادامه به مرگ وی منجر شد.

به دنبال بروز حادثه، چند نفر که به جشن عروسی تفنگ آورده بودند، به اتهام شرکت در قتل دستگیر شدند. به دنبال آن مایه‌ساختی که به عمل آمد، روشن شد که پسرک به‌وسیله گلوله یکی از همین تفنگ‌ها کشته شده است و صاحب آن نیز به اتهام قتل و حمل اسلحه بدون پروانه و دیگران به اتهام حمل اسلحه غیر مجاز تحت تعقیب قرار گرفتند.

پرونده اتهامی صاحب تفنگ پس از طی تشریفات قانونی به دادگاه جانیی ارجاع گردید و متهم تحت محاکمه قرار گرفت. اگرچه نامبرده در محضر دادگاه منکر شلیک به طرف کودک و در نتیجه مرگ وی گردید ولی دادگاه دلایل موجود در پرونده را کافی دانست و با توجه به آنکه وی قصد قتل نداشته و ضایع شاک‌ی خصوصی را نیز به دست آورده بود، در رای خود یک درجه تخفیف قائل شد و او را به ده سال زندان محکوم ساخت.

تصویر قدیمی

	
<div>تصویری قدیمی از شهید مطهری و مرحوم استاد محمد تقی شریعتی در آرامگاه فر دوسی منبع: چهارباغ</div>	
	

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سر دبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰

نمابر دبیر خانه: ۰۵۱۳۷۶۳۴۲۹۵
پدیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پيامك: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر جابر خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

یادداشت
ناصر شعر بافیان
<p>معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی</p>

توسعه حقوق شهروندی؛ چالش‌ها وفرصت‌ها

طی سال‌های گذشته قوانین، مصوبات و بخشنامه‌های مختلف از جمله «طرح تکریم ارباب رجوع»، «برنامه صیانت از حقوق شهروندان»، «میز خدمت»، «دولت الکترونیک»، «انتشار و دسترسی از ادبه اطلاعات» و... وظایف متعددی را در راستای حفظ کرامت انسانی و نیز ارائه خدمات بهینه، شفاف و بدون تبعیض به ارباب رجوع برای کارمندان و مدیران دستگاه‌های اداری، مشخص کرده‌است.

در همین راستا سازمان‌ها نیز به فراخور، با پیش‌بینی برنامه‌های مدون و نیروی انسانی متخصص، ایجاد امکانات مختلف سخت و نرم افزاری، تجهیزات متناسب، آموزش عمومی کارکنان و نیز اصلاح فرایندهای معمول تلاش کرده‌اند تا حقوق و آزادی‌های مردم را رعایت کنند. همه موارد ذکر شده، به نوعی تحقق یک مفهوم مهم یعنی «حقوق شهروندی» را دنبال می‌کند. اما این مفهوم تا چه میزان برای جامعه ما آشناست؟ و شهروندان تا چه حد در این رابطه مطالبه گر هستند؟ در این راستا باید ناگاهی به بسترهای طرح این موضوع در ساختار خرد و کلان کشور داشته باشیم، متن پیش رو، به ضرورت پیگیری این مفهوم از منظر دیگر توجه کرده‌است:

حدود هشت ماه از رونمایی منشور حقوق شهروندی توسط رئیس‌جمهور می‌گذرد و برنامه و خط مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران در مجموعه‌ای مدون، احصاء به صورت عمومی اعلام شده است، لیکن در باره استیفا و ارتقای حقوق شهروندی، در این مدت تغییر ملموس و چشمگیری را در همه بخش‌ها شاهد نبوده‌ایم.

در حالی که تمامی ارکان حکومت در جمهوری اسلامی ایران خود را آماده و ملزمتر به رعایت و توسعه حقوق شهروندی در تمامی ابعاد و اجزای آن می‌دانند و قوای سه گانه در این مسیر، تلاش بسیاری کرده‌اند، لیکن حرکت کُند اقدامات فرمایشی و ظاهری، تبدیل به جهشی عظیم و باعث توسعه و تعمیق حقوق شهروندی در شهرها و روستاهای کشور نشده‌است.

علت چیست؟ به نظر نگارنده حلقه مفقوده در این فرایند، مشارکت نداشتن جدی مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های بخش خصوصی است و برای بیرون رفتن از این وضعیت، نیازمند اقدامات اورژانسی هستیم که بعضی از رویکردهای این اقدام عاجلانه در ادامه آمده است:

گام اول در این راستا، ارائه آموزش به عنوان یک محور کلیدی است. تمامی شهروندان باید از حقوق و آزادی‌های خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فرهنگی، قضایی، اداری، محیط زیست، سلامت و... آگاهی داشته باشند. استفاده از تمامی ظرفیت‌های ممکن که در اختیار دولت، نهادهای عمومی غیر دولتی و نیز صداوسیما و سایر رسانه‌هاست، برای اطلاع‌رسانی عمومی و اختصاصی به‌آحاد مردم، می‌تواند حقوق شهروندی را به یک گفتمان ملی تبدیل کند و در توسعه و تعمیق آن در کشور نقش به سزایی داشته باشد.

به عبارت دیگر الزام عملی به رعایت حقوق شهروندی که ناظر بر حقوق قطری انسان است، بایستی در حوزه‌های مختلف از جمله در رابطه بین مردم و دولت و نیز در رابطه بین مردم با یکدیگر رعایت شود و در بستر آموزش، علاوه بر این که افراد جامعه به حقوق خود آشفته‌اند می‌کنند، از آزادی‌های دیگران و وظایف خود در قبال حقوق دیگران نیز آگاهی‌یابند.

گام دوم، فرهنگ‌سازی و افزایش سطح مطالبه‌گری عمومی است، بدان معنا که عموم مردم پس از افزایش دانش خود نسبت به حقوق شهروندی، در زمینه درخواست و تقاضای بر خور داری و بهره‌مندی از این حقوق و آزادی‌ها، فعال و مطالبه گر شوند. در این مرحله، شهروندان باید با پیشین، نسبت به اقدام عملی در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های خود دیگران تشویق و ترغیب شوند.

گام سوم، ساختار سازی در بخش خصوصی است. با توجه به این که آقای روحانی با رونمایی از «منشور حقوق شهروندی» و تصویب و ابلاغ «حقوق شهروندی در نظام اداری» عزم او را ده دولت را در این مسیر، به منصفه ظهور گذاشته و از آن جایی که مجلس شورای اسلامی با تصویب قوانین مختلف از جمله قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» و سایر قوانین موضوعه، در بستر سازی هر چه بیشتر برای رعایت حقوق شهروندی گام‌های موثری بر داشته است و با عنایت به این که قوه قضاییه به عنوان دستگاه متولی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی، صیانت از حقوق مردم در کلیه ارکان حکومت، حتی توسط قضات خود را به عنوان یک اصل، پیگیری و از انحرافات آن پیشگیری می‌کند، لیکن ساختار سازی در بخش خصوصی برای توسعه حقوق شهروندی حائز اهمیت است. سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) باید به صورت‌های عمومی و تخصصی در این حوزه، شکل گرفته و فعال شوند تا در زمینه افزایش دانش و بینش آحاد مردم، توسعه و تعمیق مفهوم حقوق شهروندی، پیشگیری از قصور و تقصیر سهوی یا عمدی کارگزاران و کارکنان مختلف ارائه دهنده خدمات عمومی و نیز پیگیری تخلفات و جرایم مرتبط با رعایت نکردن حقوق شهروندی در تمامی حوزه‌ها، به عنوان ذی نفع و محق، اقدام موثری صورت دهند.

بدیهی است، نقش مردم در اداره امور عمومی کشور، صرفاً محدود به شرکت در انتخابات نیست و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با نظارت بر نهادهای قدرت و افزایش سطح مطالبه‌گری، در راستای توسعه حقوق شهروندی و همراهی عمومی مردم در سطح کشور، جایگاهی ویژه و نقش بی‌بدیلی داشته باشند.

خاطرات یک نعلش کش / قسمت پایانی



ایستاده است و دارد سیگاری می‌کشد، من‌ها چ و بروم پر سنلی و کارهای قرار ادم را انجام دهم، تازه مخضر هم باید برویم. ای بیچاره مبار که خونه جدیدت مبار که! بالاخره مرگ حقه ولی وجدان خیلی زود به حقت رسیدی!!
که یکپوکی سبب زمینی درشت خور د به فرق سرم، چشمتان روز بد نینند، برگشتم دیدم جناب مبار که است که سرش را از داخل کیسه سبب زمینی درآورده و می‌گوید: «حالا من زود به حقم رسیدم مرد ک؟ بز من کنار ببینم!»
گفتم جناب مبار که شما چطور فکر مرا خواندید می‌گفت: «من فکرهای رئیس و روسارو می‌خونم، فکر تویه لاله بچه که دیگه کاری نداره! ولی اشیب نکن تازه برنامه چیدم به حق و حقوق مون برسیم اونم چرب و چیلی! این! ما جرابی هم که دیدی همش سیا بازی بود بابا، بار و بندیل رو بستیم داریم می‌ریم کانادا!»
:- کانادا؟؟! مگه کانادا رفتن الکیه قربان کلی لوازم می‌خواه!
:- چه لوازم می؟ یک شلوار ک می‌خواد که بر بیارم، چیزی لازم نیست بگی، خودم شنیدم پای تلفن بهت می‌گفت «نعلش کش یکم کی بودی تو؟»

یعنی داشتم خواب می‌دیدم، هم قرار داد، هم در چه نعلش کش یکمی و هم زن و زندگی! همه این‌ها در یک روز داشت برایم اتفاق می‌افتاد، البته هر چند گزینه آخریش خیلی باب دلم نبود ولی بالاخره هر قراردادی یکسری نکات منفی هم دار، نمی‌شود که همه بنده‌های یک قرارداد حکم گلابی را داشته باشند بالاخره چهار تا کدونتیل هم در قرارداد منعقد می‌شود! فقط تنها توانستم بپرسم: «چرا یواشکی قربان؟ نمی‌خواین برای جناب مبار که به پاس این همه خدمت، یک مر اسم تشییع با شکوه بر گزار کنید؟؟»

که رئیس گفتم: «هیس!! جایی نگي مبار که مرده! خودت می‌دونی که چقدر تو سوازان محبوب قلب‌ها بود، الان خبر مرگش به گوش همه بر سه کلی از کار مندها غش و ضعف می‌کنن، بعد میت‌های مردم روز زمین می‌مونه!»
دیدم حرف حساب جواب ندار، برای همین فی الفور جناب مبار که را با کفن و متعلقاقت داخل یک گونی سبب زمینی انداختم و از پریشنی زدم بیرون و بدون این که کسی شک کند انداختم داخل خودروی نعلش کشی که عمری با آن نعلش کشی کرده بود! بدش هم نتسستم پشت فرمون و گازش را گرفتم به سمت قبرستون. همین جور که رانندگی می‌کردم با خودم فکر کردم چطور

لایحه مشهدی
<p>منبع: کتاب بررسی گویش مشهدی - پویا شهریاری راد</p> <p>در گویش مشهدی، گاهی کلمات جدیدی تولید می‌شود که معنایشان به‌واسطه استفاده‌ز یاد آن‌ها در جامعه برای افراد آشناست:</p>

		
چلوصافی= آبکش (برای برنج)	دل شورا= دلشوره	غرمبه= صدای مهیب

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوچه‌فرنگی	۱۷۰۰	کیلو گرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۱۰۰	کیلو گرم
سبب زمینی	۱۶۰۰	کیلو گرم	روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۰ گرمی
پیاززرده	۲۲۰۰	کیلو گرم	مرغ گرم	۷۴۰۰	کیلو گرم
عدس کانادایی	۵۲۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی(لاشه)	۳۷۵۰۰	کیلو گرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلو گرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۸۰۰۰	کیلو گرم
روغن نباتی ذرت	۲۵۵۰۰	حلب ۴/۵ بدون پالم			

یک پایان تلخ!

یک صبح دیگر تابستانی از راه رسید و من مثل همیشه کله سحر از خواب بیدار و آماده شدم برای رفتن به سر کار. اصولاً کارمندانی که PHD دارند، فرقی هم نمی‌کند که وزیر و رئیس باشند یا یکی مثل من با این همه مدرک و تخصص، شاگرد نعلش کش باشد، به کار اول وقت معتقدیم حتی در صنف ما یک ضرب المثل داریم که می‌گوید «سحر خیز باش تا بهترین میت گِیرت بیاد!» البته اگر مسئول مستقیم ما یعنی «نعلش کش یکم مبار که» هم به این ضرب المثل باور داشته باشد. چون الان دقیقاً یک ساعت از شروع ساعت کاری گذشته ولی هنوز جناب «مبار که» نعلش کش یکم مستقیم بنده تماس نگرفته که بگوید بیا فلان جا که میت روی زمین مانده است!

کلا چند روزی هست رفتارهای عجیب و غریبی در سازمان مشاهده می‌کنم، از رفتارهای عجیب و غریب‌ب‌تر، رفت و آمدهای عجیب و غریب‌تر است که جناب مبار که می‌گوید نباید آن‌ها را ببینم. البته اصولاً ما که PHD داریم و نگاه‌مان به کار تخصصی است، وادار این حاشیه‌ها نمی‌شویم و معتقدیم هر کسی باید کار خودش را بکند، به خصوص در سازمان‌ما که همه چیز حساب و کتاب دارد حتی زمان توالت رفتن کارمندان و میزان ماندگاری آن‌ها نیز فرمول خودش را دارد، پس اصلاً جای نگرانی نیست! فقط نمی‌دانم چرا همین قرارداد ما امضا نمی‌شود، الان این همه مدت است که هر روز به یک بهانه ماسا سر می‌دانند، بعد از آن همه آزمایش و سنگ اندازی‌های مختلف حالا اعلام کرده‌اند باید بروی زن بگیری یا قرارداد به آدم مجرد نمی‌دهیم، از شما چه پنهان یک بار فتم زن بگیرم ولی آن‌ها هم گفتند ما دختر به آدم بی قرارداد نمی‌دهیم! از شانس بد ما این جناب مبار که نعلش کش یکم مستقیم بنده هم که پیش کسوت سازمان محسوب می‌شود و برای خودش بروو بیایی دارد و صاحب نفوذ است اصلاً به پارتی بازی و این قبیل فسادهای اداری معتقد نیست و گر نه من الان باید برای خودم یک پا نعلش کش یکم می‌شدم!

اسم مبار که آمد باز یادم افتاد که هنوز زنگ زده است، کم کم داشتم نگران می‌شدم که تلفنم زنگ خور دولی به جای مبار که، منشی دفتر رئیس کل سازمان پشت خط بود و گفت: «کیایی دکی جونم؟ آب دشت هشت بذال زمین عجیجم، زودی بیا اینجا عجم!» بعدش هم زرتی تلفن را قطع کرد. یک وقت فکر نکنید که دور از هست ولی نه اون عملی که مدنظر شماست، بنده اخلافاً قدامش رویکی دو کیلو کوچیک کرده و عادت داره عروسی می‌شود و ولی اون چیزی که مهمه البته که چرا این قدر صمیمی شده با بنده حقیر و الفاظر کیکی چون دکی جونم و عجیجم را بر زبان رانده است! البته عرض کرده بودم که چند وقتی است رفتارهای مشکوک زیاد شده ولی از همه مهم‌تر، این است که رئیس کل با من چه کار دارد این صبح، آن هم در غیاب جناب مبار که! با خودم گفتم نکنند قرار ادم امضا شده است؟ برای همین جنگی خودم را به سازمان رساندم و یک راست رفتم اتاق رئیس!

وارد اتاق رئیس که شدم دیدم وسط اتاق یک دانه میت کفن پیچ شده پهن کرده اند و رئیس بزرگ هم مثل این فیلم‌های آمریکایی پشت پنجره